

سنجش ایستار مردم ۱۸ تا ۶۵ ساله شهر مشهد نسبت به طلاق در سال ۱۳۸۳ و عوامل مؤثر بر آن

حامد بخشی*

چکیده

موضوع این مقاله نگرش به طلاق و عوامل مؤثر بر آن در شهر مشهد است که پس از طرح مساله و تعاریف اولیه، با استفاده از نظریات دورکیم و چشم اندازهای کارکردگرا، تعامل گرا و تبادلگی چارچوب نظری تحقیق مشخص و تبیین نظری آن مطرح می گردد.

سپس یافته های تحقیق مطرح می گردد که بر اساس آن، با بالا رفتن سن، میزان رضایت از زناشویی و میزان پرهیز فرد در روابط خود با جنس مخالف، نگرش به طلاق سخت گیرانه تر می شود و با افزایش سطح تحصیلات نگرش به طلاق سهل گیرانه تر می گردد. در پایان مدل علی این تحقیق که از آزمون رد عبور کرده است به همراه ضرایب مسیر آنها آورده می شود و پیشنهاداتی منسجم از یافته های تحقیق برای کاهش ایستار به طلاق عنوان می گردد.

۱. مقدمه

طلاق یکی از مسایل اجتماعی عصر ماست که امروزه کمتر کسی در مورد مشکل و معضل بودن آن شک می ورزد. میزان بالای طلاق در جوامع امروزی جامعه شناسان را به کنکاش در مورد عوامل مؤثر بر آن وا داشته تا مکشوف گردد چه چیزی موجب چنین تغییری در نرخ طلاق گردیده است. برخی به مطالعه متغیرهای جمعیت شناختی نظیر نسبت جنسی، سن، تحصیلات و ... پرداخته اند. دیگران عوامل جامعه شناختی نظیر انسجام اجتماعی و وضعیت نهاد خانواده در عصر جدید را مطرح ساخته اند.

در این میان یکی از عواملی که می توان به عنوان زمینه ساز نرخ طلاق مطرح ساخت، «نگرش به طلاق» است. امروزه تحقیقات برخی جامعه شناسان نشان داده است که نگرش اولیه ما نسبت به طلاق و نهاد خانواده در احتمال بروز طلاق در زندگی زناشویی ما مؤثر است (آماتو پی. و راجرز اس. ۱۹۹۹)؛ در واقع کسانی که نگرش مثبت تری به طلاق دارند، احتمال بیشتری دارد که در زندگی زناشویی خود به طلاق روی آورند. بنابراین می توان نگرش به طلاق را به عنوان یک مساله مستقل مطرح ساخت و به دنبال آن رفت که چه عواملی موجب سهل گیرانه یا سخت گیرانه شدن نگرش ما به طلاق می گردد. تحقیق پیش رو به دنبال سنجش میزان نگرش به طلاق افراد ۱۸ تا ۶۵ ساله شهر مشهد در سال ۱۳۸۳ و تبیین عوامل مؤثر بر آن می باشد.

۲. تعاریف اولیه

طلاق: انحلال رسمی یک پیوند زناشویی است از طریق ثبت در مؤسسات رسمی مربوطه است.

ایستار یا نگرش: جهت گیری و وضعیت روانی کلی یی است که فرد نسبت به موضوع معینی داراست و می تواند دارای برخی یا همه ابعاد زیر باشد:

الف- بعد شناختی (cognitive) که تصورات شخص را در مورد چگونگی موضوع مورد نظر در بر

دارد.

* دانشجوی کارشناسی ارشد رشته پژوهش علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد

ب- بعد عاطفی (feeling) که شامل احساسات و عواطف مثبت و منفی شخص نسبت به موضوع می شود.

ج- بعد آمادگی رفتاری (action tendency) که آمادگی فرد برای رفتار در جهت له یا علیه موضوع است.

۳. دیدگاه های جامعه‌شناختی مرتبط

۳-۱- دورکیم

از آنجا که طلاق در جوامع معاصر با وجود افزایش نرخ آن، هنوز امری قبیح و یا لاقبل نامطلوب به شمار می‌رود، طلاق نوعی انحراف از هنجارهای اجتماعی به شمار می‌آید. لذا برای تبیین آن با استفاده از نظریات دورکیم می‌توان به سراغ عواملی رفت که او برای انحراف اجتماعی بیان می‌کند.

دورکیم میان جوامع سنتی و مدرن به لحاظ نحوه انسجام اجتماعی تمایز قائل می‌شود. از دیدگاه او جوامع سنتی دارای همبستگی مکانیکی هستند. این همبستگی مربوط به جامعه ای است که افراد آن به کم و بیش مشابه یکدیگرند و در واقع همبستگی، ناشی از شباهت و یکسانی افراد جامعه است. تفاوت های اندک فردی و یکسانی قابل توجه افراد چنین جامعه ای موجب می‌گردد که هنجارهای اجتماعی، قدرت بسیاری در این جوامع داشته باشند و به بیان دیگر این جوامع دارای وجدان جمعی نیرومندی هستند که بر تمامی جامعه حکومت می‌کند و تمامی افراد جامعه را شکل می‌دهد.

با افزایش تراکم مادی و معنوی جامعه، یعنی با افزایش تعداد افراد ساکن در جامعه و افزایش تعاملات آنان با یکدیگر، دیگر امکان حیات به شکل پیشین وجود ندارد. از این رو جوامع مدرن با دو مشخصه تفاوت فردی و تقسیم کار در جامعه پدید می‌آیند. چنین جامعه ای از نظر دورکیم دارای همبستگی ارگانیک است که خاص نظام‌هایی است که عناصر آن در عین تفاوت با یکدیگر، تشکیل یک کل را می‌دهند (آرون، ریمون، ۱۳۷۷).

دورکیم همبستگی ارگانیک را پیشرفته تر و قوی تر از همبستگی مکانیکی می‌داند؛ لیکن معتقد است جوامع زمانه او در حال گذار از جامعه سنتی با هنجارهای خاص خود به سوی جامعه مدرن است که هنجارهای ویژه خود را می‌طلبد و این زمانه گذار دچار آسیب‌هایی است که از جمله آنان تضعیف هنجارهای اجتماعی است. در تضعیف این هنجارهاست که افزایش نرخ انحرافات اجتماعی پدید می‌آید.

دورکیم از دیدی فرد گرایانه نیز به این مساله می‌نگرد و آن اینکه وجدان جمعی برای فرد هنگامی حضور دارد که او آن را در خود درونی کرده باشد و بدان اعتقاد داشته باشد (کوزر، لیوئیس، ۱۹۷۷)؛ لذا یکی از علل بروز انحرافات اجتماعی، عدم توفیق نهادهای اجتماعی در جامعه پذیر ساختن و درونی کردن هنجارهای اجتماعی در فرد است.

دورکیم در میان عوامل اجتماعی کردن افراد به نقش مذهب نیز توجه می‌کند و معتقد است نیرومندی اعتقاد مذهبی در یک جامعه موجب افزایش همبستگی اجتماعی، تقویت وجدان جمعی و جلوگیری از بروز انحرافات اجتماعی می‌گردد (کوزر، لیوئیس، ۱۹۷۷: ۲۰۰).

۳-۲- چشم انداز کارکرد گرا

پارسنز و فلچر معتقدند افزایش میزان انحلال زناشویی ناشی از این واقعیت است که ازدواج و زناشویی دارای ارزش بالاتری در نزد افراد جامعه گردیده است. از نظر آنان به دلیل بالا رفتن ارزش ازدواج، انتظارات افراد از این نهادها افزایش یافته است و لذا معیار تحمل یا پذیرش یک زندگی زناشویی بالا رفته است. از این رو خیلی از

زناشویی هایی که در گذشته و با معیارهای آن زمان قابل قبول دانسته می شد، امروزه تحمل ناپذیر می نماید و افراد به انحلال آن ها روی می آورند.

همچنین در حوزه کارکرد گرای، ویلیام جی. گود مدعی است خانواده های هسته ای کنونی به نسبت خانواده های گسترده پیشین که درون یک بافت خویشاوندی وجود داشته است، بار عاطفی سنگین تری را تحمل می کنند و جنین اضافه بار عاطفی خود موجب افزایش و تداوم کشمکش های میان زوجین و زمینه سازی برای طلاق می گردد (گود، ویلیام جی. ۱۳۵۲).

همچنین گود تغییر ایستارها در مورد طلاق را بخشی از فرایند عمومی سکولاریزه شدن جوامع غربی می داند. سکولاریزاسیون موجب کاهش تاثیر کلیسا و ایمان مذهبی می شود و نهاد خانواده دیگر نه به عنوان یک امر مقدس و وظیفه دینی، بلکه به عنوان ابزاری برای ارضای نیازها و عواطف جنسی در نظر گرفته می شود. از این رو بدیهی است نگرش به طلاق نیز در چنین جامعه ای سهل گیرانه تر می گردد.

تخصصی شدن جامعه جدید و تقسیم کار و سپردن بخش قابل توجهی از وظایف نهاد خانواده به دنیای بیرون نیز باعث کم کارکرد شدن نهاد خانواده می شود و به دنبال این کم کارکرد شدن، اهمیت آن کمتر و ایستار نسبت به آن سهل گیرانه تر می گردد.

۳-۳- چشم انداز تعامل گرا

در حوزه تعامل گرای، دو نظریه وجود دارد که مرتبط با موضوع مقاله پیش رو است. اولی نظریه همنشینی تفاضلی ساترنند است که بر اساس آن نگرش به طلاق را می توان امری دانست که با همنشینی با افراد دیگر قابل یادگیری و انتقال است. بر این مبنا همنشینی با افرادی که نگرش مساعدی به طلاق دارند باعث سهل گیرانه تر شدن ایستار وی نسبت به طلاق می گردد.

دیگری نظریه داغ گافمن است که طبق آن دو نوع داغ، هر یک پیامدهای خاص خود را به همراه می آورند. آنانکه داغ بی اعتباری خورده اند- نظیر آنها که طلاق گرفته اند- سعی در طبیعی جلوه دادن آن و ارائه نگرش مثبت به آن می باشند. اما مساله کسانی که داغ احتمال بی اعتباری خورده اند، پنهان سازی داغ است و می کوشند تا حضار تفاوت های میان آنها و دیگران را ندانند (ریتزر، جورج، ۱۳۷۴: ۲۹۰).

۳-۴- چشم انداز مبادله

بر اساس این نظریه طلاق ناشی از فزونی سود انحلال کانون زناشویی بر هزینه های آن است. لذا در جامعه ای که کانون زناشویی سود اندکی را برای فرد به همراه می آورد، به ویژه وقتی فرد می تواند نیازهای خود را با هزینه کمتری از طرق دیگر به دست آورد، ایستار نسبت به طلاق مساعد تر می گردد. جامعه ای که کانون خانواده را صرفاً ابزاری برای ارضای غرایز و عواطف جنسی می داند، و از طرف دیگر راه را برای ارضای این نیازها از طرق دیگر و با هزینه کمتر باز می گذارد، باید منتظر نگرش سهل گیرانه تر افراد آن جامعه به طلاق و به تبع، افزایش روز افزون طلاق باشد.

۴. تبیین نظری

صنعتی و مدرنیزه شدن جامعه معاصر موجب تبدیل خانواده های گسترده به خانواده های هسته ای و تضعیف روابط و وابستگی های خویشاوندی گردیده است. از سوی دیگر روند سکولاریزه شدن جامعه و تقویت و ترویج فردگرایی و انسان مداری موجب رشد خواسته های خود مدارانه افراد جامعه و تضعیف وجدان جمعی و نیز مراجع ارزشی و مقدس جامعه گردیده است. بدین ترتیب خانواده زن و شوهری اخیر که از سویی از حمایت و کمک شبکه خویشاوندی بی بهره گردیده و از سوی دیگر مرجع واحد ارزشی خود را تضعیف شده می یابند، در مقابل تنش های زندگی روزمره آسیب پذیر شده، تضاد و کشمکش خانوادگی آنان بالا رفته و میزان رضایت از زندگی زناشویی آنها

کاهش می یابد. این میزان رضایت از طرف رشد گرایش‌های فردگرایانه و لذت مدارانه نیز در فرد تقویت می‌شود. گرایش‌های لذت مدارانه که بواسطه تضعیف پای بندی به مذهب و سنت مجال تقویت یافته، خود پرهیز جنسی افراد جامعه را تضعیف می نماید و بدین ترتیب مرد یا زن همواره در معرض وسوسه شکستن رابطه موجود و ایجاد روابط جدیدی است که برای او تازه، نو و جذاب می نماید.

در گذشته اگر زن و شوهری علاقه چندانی هم به یکدیگر نداشتند، باز شرایط مادی‌یی وجود داشت که به آن دو فشار می آورد تا از شکستن رابطه زناشویی بپرهیزند. زن برای امرار معاش خویش نیاز به مرد داشت و وجود فرزندان که نیاز به سرپرست داشتند و اداره امور منزل، مرد را از طلاق همسر خود باز می داشت. امروزه با ورود زنان به بازار کار و اشتغال زنان، امکان زندگی مستقل زن در جامعه و بدون وابستگی به مرد فراهم آمده است. خانواده هسته ای اخیر با تعداد کم فرزندان (و یا بدون فرزند) فشاری برای شکستن رابطه‌ای زناشویی که دیگر برایشان سودی ندارد نمی‌بینند.

در نهایت، تاثیر هنجارها و هنجاری شدن طلاق را نباید نادیده گرفت. امروزه تحصیلات علوم جدید که عموماً نشأت گرفته از غرب می‌باشند، گرایش‌های مذهبی افراد را کاهش می‌دهند و رابطه با افراد طلاق گرفته‌ای که مستقلاً زندگی به ظاهر مناسبی را اداره می‌کنند، طلاق را از آن شکل تابوگونه‌ای که در پیش داشت خارج نموده است. رواج رسانه‌های ارتباط جمعی نظیر ماهواره و اینترنت که جامعه غربی را که به لحاظ هنجاری شدن طلاق دستی پر تر از جامعه معاصر ما دارد، در معرض نگاه و الگو گیری افراد جامعه خودی می گذارد، هنجاری شدن طلاق و به تبع آن سهل‌گیرانه‌تر شدن نگرش افراد جامعه به طلاق را در پی دارد.

۵. روش تحقیق

به منظور بررسی و آزمون فرضیات تحقیق، مردم ۱۸ تا ۶۵ ساله شهر مشهد به عنوان جامعه آماری انتخاب گردید. سپس فرضیات تحقیق به صورت متغیرهای مستقل و وابسته مطرح و هر یک تبدیل به یک یا مجموعه ای از پرسش‌ها گردیدند. برای سنجش متغیر وابسته (نگرش به طلاق) و برخی از متغیرهای مستقل که اهمیت با ابهام بیشتری داشتند، از طیف لیکرت استفاده گردید و دیگر متغیرهای مستقل به وسیله یک یا چند پرسش چند جوابی مورد سنجش قرار گرفتند. بنابراین ابزار تحقیق، پرسشنامه انتخاب گردید که به شیوه مصاحبه حضوری از جمعیت نمونه که به شیوه نمونه گیری تصادفی خوشه ای چند مرحله ای انتخاب شده بودند، پرسیده می شد.

در نهایت پس از جمع‌آوری داده‌ها، با استفاده از تحلیل واریانس و رگرسیون رابطه میان متغیرهای مستقل و متغیر وابسته به صورت منفرد و در قالب یک مدل علی (رگرسیون چند متغیره) مورد بررسی قرار گرفت. سطح معنی داری روابط ۰/۰۵ در نظر گرفته شده است.

۶. یافته های تحقیق

۶-۱. توصیف جامعه آماری

۶۲ درصد پاسخگویان زن و مابقی مرد بوده اند؛ میانگین سن افراد پاسخگو ۳۴/۳ سال بوده و ۲۹/۱ درصد آنان را افراد مجرد تشکیل می داده اند. همچنین ۳۷/۵ درصد پاسخگویان، تحصیلات سیکل و پایین تر، ۴/۱ درصد متوسطه تا پیش دانشگاهی و ۴/۲ درصد نیز فوق دیپلم و بالاتر داشته اند.

نمره ایستار پاسخگویان به لحاظ نظری در بازه ۱۵ تا ۷۵ قرار داشت که میانگین نمره پاسخگویان در این زمینه ۴۰/۷ گردیده است. همچنین در پاسخ به گویه های مربوط به میزان پرهیز جنسی، میانگین امتیاز پاسخگویان در بازه ۱۴ تا ۳۵ بر روی نقطه ۲۷/۹۲ قرار گرفته است.

سنجش پایبندی پاسخگویان به مذهب در دو بعد نظری و عملی صورت گرفته است. در زمینه پایبندی اعتقادی به مذهب نمرات پاسخگویان از ۷ تا ۲۵ تغییر نموده است و میانگین به دست آمده ۱۸/۹ است که در مجموع گرایش مثبت اعتقادی به دین را نشان می دهد.

میانگین نمره متغیر پایبندی عملی به مذهب ۲۷/۴ شده است که به طور متوسط نشان دهنده گرایش عملی مثبت پاسخگویان به مذهب می باشد.

در رابطه با میزان برخورداری از تکنولوژی های چند رسانه ای، بنا به اظهار پاسخگویان ۶۵/۸ درصد در منزل دارای ویدئو، ۱۵/۲ درصد ماهواره، ۵۴/۴ درصد دارای کامپیوتر و ۳۶/۷ درصد پاسخگویان در منزل به اینترنت متصل بوده اند.

همچنین ۸/۴ درصد پاسخگویان در ماه صفر مرتبه، ۲۴/۹ درصد یک بار، ۲۰/۳ درصد دو بار، ۱۹/۸ درصد سه بار، ۱۶/۹ درصد چهار تا هفت بار و ۹/۷ درصد بیش از هفت بار با خویشان و بستگان خود معاشرت دارند.

۵۱/۹ درصد متأهلین پاسخگو صبحانه را با همسر خود در منزل صرف می کنند؛ در حالیکه ۶۷/۷ درصد آنان نهار را با اتفاق یکدیگر و ۸۴/۴ درصد شام را در کنار همسر خود تناول می نمایند.

میزان تضاد و کشمکش در خانواده خود را ۴/۴ درصد پاسخگویان بسیار زیاد، ۲۲/۰ درصد در حد معمول، ۱۸/۹ درصد کم و ۵۴/۷ درصد بسیار کم توصیف نموده اند. در مقابل ۴۰/۶ درصد رضایتی بسیار زیاد از زندگی زناشویی خود ابراز نموده اند؛ ۲۳/۸ درصد زیاد، ۳۱/۳ درصد در حد معمول، ۱/۳ درصد کم و ۳/۱ درصد رضایت بسیار کمی از زندگی زناشویی خود نشان داده اند.

۶-۲- روابط میان متغیرهای مستقل با نگرش به طلاق

از میان متغیرهای مطرح شده، جنسیت با نگرش به طلاق رابطه معنی داری نشان نمی دهد، به طوریکه میانگین نگرش به طلاق هر دو جنس تقریباً برابر است؛ اما با بالا رفتن سن پاسخگویان، نمره نگرش به طلاق به طور معنی داری کاهش می یابد. همچنین با افزایش سطح تحصیلات نیز نگرش به طلاق سهل گیرانه تر می شود.

میان وضعیت زناشویی و نگرش به طلاق رابطه معنی داری به چشم می خورد، چنانکه نگرش به طلاق متأهلین به طور معنی داری از نگرش به طلاق افراد مجرد سخت گیرانه تر است.

در میان تکنولوژیهای چند رسانه ای، دارای ویدئو و کامپیوتر با نگرش به طلاق رابطه معنی داری نشان نمی دهد، اما دسترسی به اینترنت در منزل و ماهواره با نگرش به طلاق رابطه معنی دار و مثبتی دارد.

متغیر تعداد دفعات معاشرت با خویشاوندان در ماه نیز با متغیر وابسته رابطه معنی دار دارد، بدین معنی که با افزایش دفعات معاشرت با خویشان، نگرش به طلاق سخت گیرانه تر می شود.

پرهیز در روابط جنسی نیز رابطه معکوسی با نگرش به طلاق نشان می دهد و کسانی که در روابط خود با جنس مخالف پرهیز بیشتری دارند، نگرش منفی تری به طلاق دارند. این قضیه در مورد میزان پایبندی به مذهب و سنت نیز صدق می کند و هر دو رابطه به لحاظ آماری معنی دار است.

همچنین میان تعداد وعده های غذایی که فرد با همسرش در منزل صرف می کند و نگرش به طلاق رابطه معنی دار و منفی وجود دارد؛ کسانی که کمتر در منزل حضور دارند، نگرش سهل گیرانه تری به طلاق پیدا می کنند.

بنا بر یافته های این تحقیق با بالا رفتن تضاد و کشمکش در خانواده، نگرش به طلاق سهل گیرانه تر و با افزایش میزان رضایت از زناشویی، گرایش به طلاق منفی تر می شود.

جدول 1 فهرست و نوع روابط متغیرهایی که با نگرش به طلاق همبستگی معنی دار دارند

معادله رگرسیون	نوع رابطه همبستگی	متغیر
$Y = -1/51 X_1 + 45/88$	معکوس	سن
$Y = +0/90 X_2 + 34/7$	مستقیم	سطح تحصیلات
$Y = +3/74 X_3 + 43/21$	مجرد(0) < متاهل(1)	وضعیت زناشویی
$Y = +2/77 X_4 + 38/88$	مستقیم	دسترسی به اینترنت در منزل
$Y = +2/57 X_5 + 40/04$	مستقیم	داشتن ماهواره در منزل
$Y = -0/99 X_6 + 44/08$	معکوس	دفعات معاشرت با خویشان در ماه
$Y = -0/63 X_7 + 56/2$	معکوس	پرهیز جنسی
$Y = -0/16 X_8 + 47/05$	معکوس	پایبندی به مذهب
$Y = +0/61 X_9 + 48/57$	معکوس	پایبندی به سنت
$Y = -1/86 X_{10} + 43/34$	معکوس	تعداد وعده های غذایی صرف شده در منزل
$Y = +1/97 X_{11} + 36/03$	مستقیم	تضاد و کشمکش بین زوجین
$Y = -2/17 X_{12} + 48/14$	معکوس	رضایت از زناشویی

۳-۶- تحلیل رگرسیون چند متغیره و تحلیل مسیر

هدف از به کارگیری تحلیل رگرسیون چند متغیره در این تحقیق، مشخص سازی متغیرهای مستقلی است که تغییر قابل توجهی در ضریب تعیین متغیر وابسته ایجاد می کنند. در رگرسیون چند متغیره به شیوه گام به گام (step wise) کوشش می شود تا مجموعه کوچکتری از متغیرهای مستقل را بیابیم که بتوانند تقریباً همان میزان ضریب تعیینی را ایجاد کنند که با متغیرهای بیشتر پیشین ایجاد می شد (کرلینجر، فرد ان. ۱۳۶۶: ۳۸۱).

با تحلیل رابطه متغیرهای مستقل و نگرش به طلاق به روش گام به گام، سه متغیر به دست آمده اند که در مجموع ۰/۲۹ واریانس متغیر وابسته را تبیین می نمایند. این متغیرها به ترتیب افزایش در میزان ضریب تعیین عبارتند از:

۱- پرهیز جنسی

۲- رضایت از زناشویی

۳- سن

و رابطه رگرسیون چند متغیری نگرش به طلاق با این متغیرها به صورت زیر است:

$$Y = 70.54 - 0.62X_7 - 2.40X_{12} - 0.168X_1$$

که در آن:

X_7 : پرهیز در روابط جنسی،

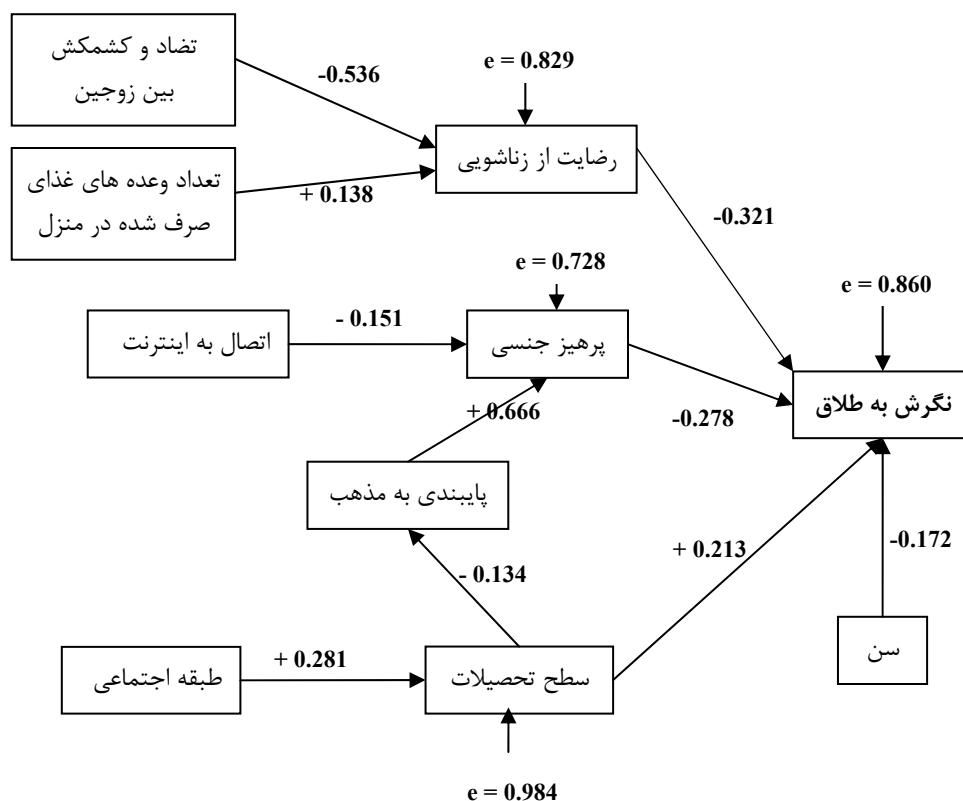
X_{12} : رضایت از زندگی زناشویی و

X_1 : سن فرد است.

تحلیل مسیر شیوه ای در تحلیل و ارائه نتایج است که عمدتاً برای آزمون مدل‌های علی و نیز تصحیح و طراحی مجدد آنها به کار می‌رود. در تحلیل مسیر با استفاده از R^2 می‌توان میزان مناسب بودن مدل را ارزیابی کرد و با استفاده از وزن های β (که در تحلیل مسیر، ضریب مسیر خوانده می‌شود) مقدار اثر هر متغیر را تعیین نمود (دواس، دی. ای.، ۱۳۷۶: ۲۲۲). همچنین با استفاده از این شیوه تحلیلی می‌توانیم بفهمیم که اثر هر متغیر بر متغیر وابسته چگونه است؛ آیا تاثیر مستقیم دارد یا به طور غیر مستقیم و از طریق متغیرهای واسطه، متغیر وابسته را متاثر می‌سازد.

در تحلیل مسیر مدل تحلیل پیش رو تنها دو متغیر رضایت از زندگی زناشویی و پرهیز جنسی در روابط جنسی در سطح معنی داری ۰.۰۵ با متغیر وابسته رابطه مستقیم نشان دادند و متغیر تحصیلات نیز که در تحلیل رگرسیون چند متغیری دومین متغیر وارد شده در تحلیل بود، با نگرش به طلاق رابطه غیر مستقیم داشت. به لحاظ اینکه آنچه برای این تحقیق مهم است اولاً روابط متغیرها با متغیر وابسته است تا روابط بین متغیرهای مستقل، از آوردن متغیرهای مستقلی که مسیری به سوی متغیر وابسته نداشتند خودداری گردید. پس از تحلیل و محاسبه ضرایب، دیاگرام علی تحقیق به شکل زیر درآمده است:

شکل 1 نمودار تحلیل مسیر مدل تحلیلی برگزیده



همانطور که در دیاگرام فوق مشاهده می‌گردد، رضایت از زندگی زناشویی، پرهیز در روابط جنسی، سطح تحصیلات و سن از تاثیر گذاران اصلی نگرش به طلاق هستند که به طور مستقیم متغیر وابسته را تعیین می‌کنند. میزان تضاد و کشمکش با تحت تاثیر قرار دادن رضایت از زندگی زناشویی بر نگرش به طلاق، و مذهب با تاثیر بر پرهیز جنسی، متغیر وابسته را مورد تغییر قرار می‌دهند. همچنین متغیر تحصیلات بر میزان پایبندی به مذهب به طور معکوس و بر نگرش به طلاق به طور مستقیم تاثیر می‌گذارد.

۷. نتایج و پیشنهادات

چنانچه در پیش به تفصیل آورده شد، از میان متغیرهای متعددی که در تحلیل نظری اولیه بیان گردید، متغیرهای سن، سطح تحصیلات، وضعیت زناشویی، دسترسی به اینترنت در منزل، داشتن ماهواره در منزل، دفعات معاشرت با خویشان در ماه، پرهیز جنسی، پایبندی به مذهب، پایبندی به سنت، تعداد وعده های غذایی صرف شده در منزل در طول شبانه روز، تضاد و کشمکش با همسر و رضایت از زناشویی با نگرش به طلاق همبستگی معنی دار نشان دادند و میان متغیرهای جنسیت و داشتن ویدئو و کامپیوتر در منزل با نگرش به طلاق نیز همبستگی معنی داری یافت نشد. در یک تحلیل رگرسیون چند متغیری مشخص شد که می توان با سه متغیر رضایت از زندگی زناشویی، پرهیز جنسی و سن تقریباً به همان میزان نگرش به طلاق را سنجید که با متغیرهای بیشتری که در این تحقیق همبستگی معنی داری با متغیر وابسته داشتند. چنانکه گذشت متغیرهای مطرح شده در این تحقیق قادرند نزدیک به یک سوم (۰/۲۹) واریانس متغیر وابسته را تعیین کنند.

با تحلیل مسیر متغیرها و در نظر گرفتن رابطه میان متغیرهای مستقل با یکدیگر و با نگرش به طلاق تنها چهار متغیر در مدل توانستند از آزمون رد عبور کنند که عبارتند از: رضایت از زناشویی، پرهیز جنسی، سن و سطح تحصیلات که هر کدام باز خود از سوی دیگر متغیرهای مستقل تحت تاثیر قرار داشتند.

بر این اساس، با توجه به آنکه سهل گیرانه تر شدن نگرش افراد جامعه نسبت به طلاق و به تبع آن افزایش نرخ طلاق در جامعه به عنوان یک مساله و مشکل مطرح است و سیاستگذاران اجتماعی به دنبال کاهش نرخ طلاق و نگرش سهل گیرانه نسبت بدان هستند، مبتنی بر تحلیل نظری و فرضیات تحقیق که از آزمون رد عبور نموده اند، پیشنهادات زیر را جهت جابه جایی نگرش نسبت به طلاق جامعه به سمت قطب منفی طیف و یا لاقبل کنترل نگرش سهل گیرانه نسبت به طلاق می توان مطرح نمود:

- ۱- تقویت روحیه دینداری و پای بندی به مذهب در میان اقشار جامعه
- ۲- ترویج مشاوره خانواده و تقویت برنامه های مدیریت خانواده به منظور کاهش تضاد و کشمکش در خانواده و بالا رفتن رضایت از زناشویی
- ۳- سیاستگذاری در جهت افزایش مؤانست و با هم بودن زوجین
- ۴- ترویج و تقویت روابط خویشاوندی
- ۵- تقویت برنامه های رسانه های جمعی برای آگاهی یافتن از تبعات منفی طلاق

کتابنامه

- Amato, p. & rogers, s., 1999, **do attitude towards divorce affect marital quality?**, journal of family issues, vol. 20, no. 1
- آرون، ریمون، ۱۳۷۷، *مراحل اساسی سیر اندیشه در جامعه شناسی*، ترجمه باقر پرهام، تهران، علمی و فرهنگی
- دواس، دی. ای.، ۱۳۷۶، *پیمایش در تحقیقات اجتماعی*، ترجمه هوشنگ نایی، تهران، نشر نی
- ریتزر، جورج، ۱۳۷۴، *نظریه جامعه شناسی در دوران معاصر*، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، علمی
- کرلینجر، فرد ان. و پدهازور، الازار جی.، ۱۳۶۶، *رگرسیون چند متغیری در پژوهش رفتاری*، ترجمه حسن سرایی، تهران، مرکز نشر جهاد دانشگاهی
- کوزر، لیوئیس، ۱۳۷۷، *زندگی و اندیشه بزرگان جامعه شناسی*، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، علمی